

گفت و گو

با

حجت الاسلام

رفعتی

معاونت آموزشی

مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

قراری داده است. مدارکی که امروزه صادر می‌شود با الهام از همان شیوه و از طریق سیستم و نظام آموزشی امروزی و تغییرات و اصلاحات جدید، شکل گرفته است.

نگاه : امروزه ضرورت داشتن مدرک برای روحانیون با توجه به تحولات اجتماعی در چه حدی است؟

چنان که می‌دانیم بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، عرصه فعالیت روحانیت، گسترش پیدا کرد. قبل از انقلاب، عرصه فعالیت، محدود بود لیکن با توسعه و گسترش دامنه این فعالیت در واقع ما باز هم به پدیده نیاز به مدرک آن هم باسبک و سیاق جدید آن نرسیدیم. چرا ما در اوایل انقلاب به مدرک فکر نکردیم؟ این بخاطر آن بود که در اوایل انقلاب بر جامعه، معنویت بیشتری حاکم بود و جامعه، عطش فوق العاده‌ای داشت و بیشتر در نهادهایی که توسط انقلاب بوجود آمده بودند؛ روحانیون حضور پیدا می‌کردند. متأسفانه هیچ مرکزی، طالب مدرک نبود و بجای اینکه مراکز و نهادها

نگاه : در ابتدا بد نیست، به این پرسش بپردازیم که فلسفه مدرک به حوزویان چیست؟

برای یک فاضلی که در حوزه، تحصیل کرده مقام ثبوت از لحاظ علمی، محرز می‌باشد لیکن مدرک، نقش مقام اثبات برای او دارد و اگر چنین کسی، مدرک در اختیارش نباشد؛ پیوند مقام ثبوت با اثبات برای مخاطبین و عامه و کسانی که با فارغ التحصیلان حوزه سروکار دارند؛ خیلی سریعتر ایجاد خواهد شد، گرچه که اگر مدرک نباشد مقام ثبوت وجود دارد ولی برای نشان دادن علمیت و فضل و دانش به دیگران، زمان بیشتری صرف می‌شود درحالی که اگر مدرک باشد در زمان کمتری مقام علمی شخص، اثبات و مشخص خواهد شد.

البته تاریخچه اعطای مدرک به شکل سنتی، برخوردار از قدمت دیرینه‌ایست که در شکل اجازات فقهی یا حدیث و روایت وجود داشته است. در قدیم، نظام آموزشی سنتی حوزه که بر پایه استاد محوری بوده است برای کسیکه به یک مرحله از علمیت می‌رسیده و این مرحله نزد استاد محرز می‌شده با استاد، مدرک اجتهاد یا اجازه نقل حدیث را در اختیار آن فرد

**● ضرورت اعطای مدرک برای روحانیون بر
هیچکس پوشیده نیست ولی در عین حال سیستم
مدیریت حوزه علمیه قم، تلاش کرده است که در
واقع مشوق مدرک‌گرایی در سطح حوزه‌های علمیه
نباشد.**

این مدرک، احساس خواهند کرد که با گذراندن یکی دو تا مقطع، می‌توانند وارد عرصه اجتماعی و تبلیغ شوند و این جور نیست که از کار علمی‌شان بازمانده باشند.

**نگاه : آیا در برنامه‌ریزی درسی حوزه - با
توجه به اعطای مدرک رسمی - از شیوه‌های
موجود در دانشگاه استفاده شده است؟**

ما در برنامه درسی و آموزشی حوزه، از شیوه‌های دانشگاهی استفاده نکرده‌ایم. لذا بر اساس اهداف آموزشی که دنبال می‌کردیم، دوره‌های تحصیلی را به چهار دوره تقسیم‌بندی کرده‌ایم. اما در هر صورت و در واقع باید به زبان روز سخن گفت به‌طور مثال ما وقتی می‌گوییم سطح دو باید به جامعه امروزی توضیح بدهیم که این چه مقطعی است و یعنی چه. شورای عالی انقلاب فرهنگی در واقع این سطح را برای جامعه تعریف کرده و الا شأن حوزه بالاتر از اینست که نه تنها وزارت علوم که حتی شورای عالی انقلاب فرهنگی بخواهند تصویب کننده و تأییدکننده امور حوزه باشند، چراکه اعتبار علمی حوزه، بیش از این حرف‌هاست. لذا شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه ۲۶۸ در واقع به زبان روز، سطح یک را به کاردانی، سطح دو را به کارشناسی، سطح سه را به کارشناسی ارشد و سطح چهار را به دکتری تعریف کرده است. در ضمن، این مدارک به‌عنوان معادل نیستند و در تعریف آن‌ها عنوان مدرک، رسمی است. برنامه‌های آموزشی نیز همه، زیر نظر شورای عالی حوزه و آنها زیر نظر مراجع و مقام معظم رهبری هستند. لذا برنامه حوزه، ربطی به شورای عالی انقلاب فرهنگی ندارد و هماهنگی و همسویی آنها با نظام دانشگاهی در تعریف است نه در محتوا.

از لحاظ تعداد واحدها نیز، حجم برنامه درسی ما بیشتر از حجم درسی دانشگاه است. اگر شما مقایسه‌ای انجام دهید بین کسی که دیپلم گرفته و وارد حوزه شده و آن کس که با دیپلم وارد دانشگاه شده می‌بینید که با مقطع کاردانی این فرد حوزوی، سه برابر حجم درسی دانشگاه را می‌گذراند. در سطح کارشناسی نیز در مقایسه اگر سه برابر نگوییم یقیناً دو برابر حجم درسی باید گذرانده شود. لذا هیچ تناسبی از لحاظ

توان علمی اشخاص را ارزیابی کنند؛ بدون هیچ برنامه و فکری فقط استخدام می‌کردند. لذا بعدها احساس شد که از روحانیون تقاضای مدرک علمی بکنند. طبیعتاً حوزه علمیه و بخصوص مدیریت حوزه، برای این امر، تدبیری اندیشید تا آنها در عین خدمت و حضور مؤثر و فعالشان در نهادها و ارگانها و مجامع مختلف با داشتن مدرک بتوانند موقعیتشان را تثبیت کنند. لذا حوزه علمیه ناگزیر شد که به سمت اعطای مدرک رسمی و علمی برود. امروزه از سال ۱۳۷۴ که شورای عالی انقلاب فرهنگی مدارک حوزه علمیه قم را به رسمیت شناخته، این حوزه در چهار سطح به صدور مدرک می‌پردازد. ضرورت اعطای مدرک برای روحانیون بر هیچکس پوشیده نیست ولی در عین حال سیستم مدیریت حوزه علمیه قم، تلاش کرده است که در واقع مشوق مدرک‌گرایی در سطح حوزه‌های علمیه نباشد.

**نگاه : وجود مدرک چه نقش و آثار و امتیازاتی را
می‌تواند در نظام‌مندی آموزشی حوزه‌ها داشته باشد؟**

مدرک در نظام داخلی حوزه تأثیرات مثبتی داشته است که به دو نمونه از این امتیازات، اشاره می‌شود:
امتیاز اول: اینست که به فرد تلاش مضاعف را القاء می‌کند. به‌طور مثال وقتی کسی مدرک کارشناسی را گرفت و خواست که ادامه تحصیل بدهد؛ ناچار است که در آزمون ورودی دوره بعد، شرکت بکند. این احساس به او دست می‌دهد که او برای وارد شدن در فضای آموزشی دوره بعد باید تلاش مضاعفی بکند تا دوره در حال گزینش را با یک امتیاز بالایی بگذراند.
امتیاز دوم: اینست که در این سیستم جدید، طلبه احساس نمی‌کند که حتماً و لزوماً باید ۴ دوره را بگذراند. نیازهای امروزین جامعه، اقتضا می‌کند که یکسری از طلاب، به مدت ۱۵ - ۱۰ سال که تحصیل کردند، پس از آن وارد عرصه فعالیت‌های فرهنگی بشوند و در واقع ثمرات تحصیل خودشان را که نشر معارف اسلام است نشان بدهند. وقتی که مدرک نبود، یک بینش و احساس کاذب در درون نظام تحصیلی حوزه، وجود داشت که گویا همه، درس را برای رسیدن به مرحله اجتهاد و مرجعیت باید بخوانند در حالی که این مدرک و سطح‌بندی درسی در حوزه و بر اساس مدرکی که تصویب شده، یک بینش جدیدی را در فضای حوزه ایجاد کرد که هر فردی بداند هر مقطعی از مقطع دیگر جداست. لذا الزاماً چنین نیست که کسی که وارد حوزه شده است باید خود را تا سطح چهار برساند کمالاتی که در دانشگاه هم همین امتیاز دیده می‌شود.

بعضی‌ها در حوزه تصور می‌کردند که اگر به مرحله اجتهاد نرسند یا نرسیده‌اند، اینها بازمانده هستند اما با وجود

● در این سیستم جدید، طلبه احساس نمی‌کند که حتماً و لزوماً باید ۴ دوره را بگذراند.

نیازهای امروزین جامعه، اقتضا می‌کند که یکسری از طلاب، به مدت ۱۵ - ۱۰ سال که تحصیل کردند، پس از آن وارد عرصه فعالیت‌های فرهنگی بشوند و در واقع امورات تحصیل خودشان را که نشر معارف اسلام است نشان بدهند. وقتی که مدرک نبود، یک بینش و احساس کاذب در درون نظام تحصیلی حوزه، وجود داشت که گویا همه، درس را برای رسیدن به مرحله اجتهاد و مرجعیت باید بخوانند در حالی که این مدرک و سطح بندی درسی در حوزه و بر اساس مدرکی که تصویب شده، یک بینش جدیدی را در فضای حوزه ایجاد کرد که هر فردی بداند هر مقطعی از مقطع دیگر جداست. لذا الزاماً چنین نیست که کسی که وارد حوزه شده است باید خود را تا سطح چهار برساند کما اینکه در دانشگاه هم همین امتیاز دیده می‌شود.

ما چیزی به عنوان فارغ التحصیلی نداریم. طلب علم در حوزه «من المهد الی اللحد» است. در حوزه یک اقتضایی وجود دارد که طلبه نباید ممارست علمی اش از بین برود. اما در نظام مدرک‌گرایی این مسئله کمرنگ و نادیده گرفته می‌شود.

راههای پیشگیری از این آثار سوء، تدابیری است که مادر حد توانمان، دنبال کرده‌ایم. یکی از این راهها اینست که در صدور مدرک ما مثل دانشگاهها عمل نکنیم. یعنی این طور نباشد که با تمام شدن دوره، طرف مدرکش را ملاک قرار دهد و دیگر کار نکند. ما می‌خواهیم مدرک، به عنوان یک امر مسلمی برای طلبه، احساس نشود. بلکه مدرک در مواردی صادر شود که فردی خواسته باشد در جایی مشغول فعالیت بشود و نیاز به مدرک دارد. لذا الان خیلی‌ها هستند که مثلاً سطح دو یعنی کارشناسی را گذرانده‌اند اما حوزه هیچ مدرکی را در اختیار آنها نگذاشته است. حوزه در واقع این احساس را بوجود نیاورده که چون شما تحصیلات سطح دو را گذرانده‌ای، لزوماً باید مدرکش را بگیری. می‌دانیم که اگر این احساس بوجود بیاید خیلی مشکل ساز است. افرادی که نمی‌خواهند در نهاد یا ارگانی مشغول فعالیت شوند و می‌خواهند ادامه تحصیل بدهند؛ طبق روال آیین‌نامه آموزشی می‌توانند حتی بدون اینکه مدرک سطح قبلی را در اختیار داشته باشند، وارد سطح بعدی شوند.

نگاه : وقتی یک مرکز آموزشی، فردی را استخدام می‌کند در ابتدا گواهی‌نامه مقطع درسی را می‌خواهد تا پذیرش ابتدایی بشود و بعد وارد مرحله گزینش بشود. در واقع اگر ما اعطای مدرک را منوط به رفتن شخص به نهادی بدانیم، این قدرت رقابت و وارد شدن در عرصه رقابت را ما بنوعی از

هماهنگی شکلی و محتوایی با دانشگاه نداریم بلکه متناسب با حجم معلوماتی که یک طلبه محصل در نظام آموزشی حوزه باید داشته باشد و بر اساس توانایی علمی او، برنامه‌ریزی صورت گرفته است.



نگاه : برای کاستن از عوارض مدرک‌گرایی در حوزه، آیا تمهیداتی اندیشیده شده است؟

اولین اثر منفی مدرک، مدرک‌گرایی است که هر روزه بیشتر هم می‌شود. در نظام بدون مدرک، درس، به خاطر درس خوانده می‌شد. در آنجا خود طلبه، سراغ استقاده می‌رفت و می‌گفت این کتاب را هم به من درس بدهید. لذا در این سیستم خود آن درس، هدف اصلی می‌شود. چه بسا که طلبه‌ها، کتابهایی که در برنامه عمومی شان نبوده، درس می‌گرفتند و می‌خواندند اما وقتی مدرک‌گرایی بشود، درس تقریباً از هدف بودن می‌افتد و یا اینکه به آن کمرنگ‌تر نگاه می‌شود و تقریباً نمره، مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین دومین اثر منفی مدرک، همین نمره‌گرایی است که به تبع مدرک‌گرایی می‌آید. در حالی که در نظام بدون مدرک، نمره‌گرایی به این شکل، اصلاً وجود نداشت. آنجا محتواگرایی و علم‌گرایی در مقابل نمره‌گرایی و عنوان‌گرایی مطرح بود.

تأثیر منفی سوم، احساس کاذب ملا و عالم شدن است. کسی که دوره‌ای را گذراند؛ احساس می‌کند که نسبت به متون دوره قبل، بی‌نیاز شده است لذا به صرف داشتن مدرک، دیگر درسها مرور نمی‌شوند. اما در نظام بدون مدرک، طلبه ولو اینکه نمره قبولی کتابی را کسب کرده بود یا اینحال با مباحثه و دوره‌کردن، بینة علمی اش را تقویت می‌کرد. در نظام مدرک، طرف احساس می‌کند که از درسهای گذرانده شده فارغ التحصیل شده، حال آنکه در کل مجموعه نظام جوّزی،



دیگر در مورد تعیین استاد راهنما و استاد مشاور بود. بسیاری از فضلاء حوزه با وجود اینکه مجتهد مسلمند ولی مدرک ندارند. انتخاب اینها به عنوان استاد راهنما یا مشاور یا داور در جلسه دفاعیه، مستلزم داشتن مدرک علمی بود. آنها نیز در طی تحصیل نیازی به مدرک نداشته‌اند و ما نیز نمی‌خواهیم تشویق کنیم که دنبال مدرک باشند اما به هر حال چنین مشکلی دیده می‌شد. برای ارزیابی علمی اینگونه افراد و تعیین آنها به عنوان استاد راهنما یا مشاور یا داور نیاز به تشکیل شورایی پیرامون مدارک علمی و کمیته‌های تخصصی زیرمجموعه آن در معاونت آموزشی حوزه علمیه بوجود آمد. طرح این برنامه به شورای عالی حوزه ارائه و این شورا، آن را تصویب کرد. یکی از پیش‌زمینه‌های تشکیل کمیته‌های تخصصی این فکر بود که مادیر به حوزه صرفاً یک نگاه فقه و اصول نداشته باشیم - قبلاً یک گروه مخصوص بودند که موضوعات پیشتهادی طلاب یا موضوعات خودشان را بررسی و تصویب می‌کردند اما واقعاً امروزه حوزه نیازمند به اینست که در تمامی رشته‌ها و زمینه‌ها، صاحب نظر داشته باشد و رساله‌ها، متناسب با رشته تحصیلی طلبه باشند. لذا کمیته‌های تخصصی پیش‌بینی شد. بنابراین به طور کلی مصوبه جدید که ۲۱۳ می‌باشد مکمل مقررات اعطای مدارکی است که در سال ۷۵ توسط شورای عالی حوزه تصویب شده بود.

نگاه: امتیازات و ویژگیهای کلی مصوبه جدید

با آیین‌نامه قبلی چیست؟

ایندو آیین‌نامه چند تفاوت داشتند:

- ۱- در مصوبه جدید، تأسیس شورای مدارک علمی پیش‌بینی شده است - در حالی که قبلاً خود شورای عالی چنین کاری را انجام می‌داد. می‌دانیم که شورای عالی حوزه، سیاستگذار است و کارش مصوبات کلان است و در امور اجرایی دخالت نمی‌کند. لذا تشخیص فاضل بودن اشخاص و بررسی تألیفات آنها کار شورای عالی نیست و این وظیفه به شوراهای مدارک واگذار شده است.
- ۲- مزیت دیگر این مصوبه، تدارک کمیته‌های ویژه، حسب رشته‌های مختلف تحصیلی حوزه می‌باشد. قبلاً یک گروه علمی بود که چنین وظیفه‌ای داشت و لذا شما می‌بینید که صبغه موضوعات ارائه شده در رساله‌ها بیشتر فقهی و اصولی است. حال آنکه حوزه برخوردار از فضلاء در رشته‌ها و زمینه‌های مختلف است که اگر طلاب در رشته تحصیلی خودشان و متناسب با استعدادشان، رساله تدوین کنند خیلی موفق‌تر خواهند بود تا بخواهند فقط در فقه و اصول محدود باشند.
- ۳- در مصوبه جدید، افراد می‌توانند با داشتن شرایط حتی بدون گرفتن مدرک سطح قبل، وارد سطح بعدی بشوند

او سلب کرده‌ایم، در این مورد توضیح بدهید.

ما در حوزه علمیه، سیستم صدور مدرک را محدود نکرده‌ایم. گفته‌ایم که مدرک، بیشتر از طریق استعلام طلبه از نهادی که می‌خواهد وارد شود انجام می‌پذیرد. او ابتدا باید در قسمت مدارک علمی ثبت‌نام بکند تا مراحل بعدی انجام گیرد اما طلبه‌ای که بعداً می‌خواهد جایی استخدام بشود او هم می‌تواند مدرکش را بگیرد. صدور مدرک برای غیر نیازمندی‌ها به آن به عنوان شرط آیین‌نامه‌ای نیست بلکه شرط اخلاقی است امروزه در حوزه کمتر کسی پیدا می‌شود که قبل از اینکه نیاز داشته باشد مدرک را جایی ارائه بدهد، به ما مراجعه کند.

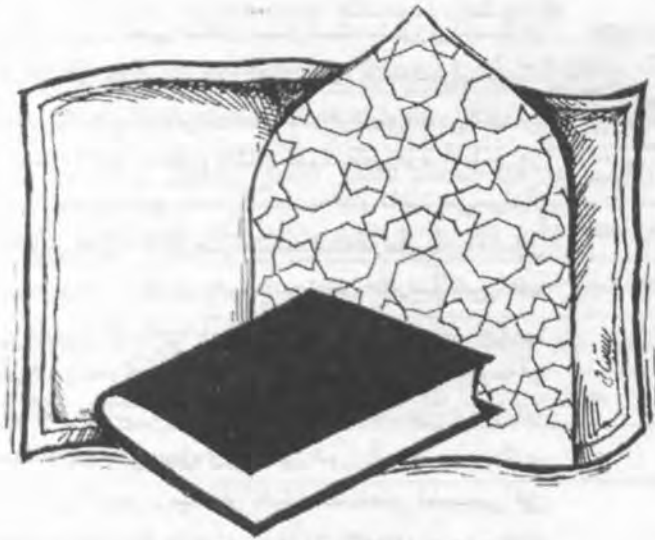
این یک شرط اخلاقی است که در حوزه پدید آمده که تا نیاز نباشد، سراغ مدرک نمی‌آیند. اما پس از نیاز و طی مراحل قانونی، مدرک داده می‌شود. لذا اینجوری نیست که راه به کلی، بسته باشد. یک موقعی اینطوری بود که فقط به استعلام، پاسخ داده می‌شد ولی الان اینطور نیست و خود طلاب و فضلاء اخلاقاً مراجعه نمی‌کنند هر چند که منع قانونی وجود ندارد. اینها در آیین‌نامه جدید، پیش‌بینی شده‌اند که سابقاً نبوده است. لذا احساس می‌کردیم که خلاهای قانونی را مخصوصاً در مورد مبلغین و مؤلفین، پر کنیم. سعی شده که ساختار تشکیلات مدارک علمی، تقویت شود و بهمین مناسبت شورای مدارک علمی و کمیته‌های علمی - تخصصی آموزشی پیش‌بینی و تدارک شده است.

نگاه: لطفاً در مورد ساختار سازمانی شورای

مدارک علمی و کمیته‌های زیرمجموعه آن، توضیح بدهید.

به طور کلی ما دو آیین‌نامه از طرف مدیریت شورای عالی حوزه داریم. یکی مصوبه ۲۱۴ و دیگری مصوبه ۲۱۳ می‌باشد که جدید است. در مصوبه ۲۱۴ اسمی از شورایی برای اعطای مدارک علمی برده نشده بود اما به مرور زمان از سال ۷۵ و در اجرا احساس کردیم که نسبت به فضلاء که دارای تحصیلات عالی و تألیفات متعدده هستند یک خلای دیده می‌شود و می‌بایست برای آنها که فضلاء طراز اول و دوم حوزه هستند یک حساب ویژه‌ای در نظر بگیریم. بنابراین در روال عادی و با مصوبه قبلی برای کسانی بود که تازه وارد حوزه می‌شوند، نمی‌توانستیم با فضلا به آن صورت عمل شود. آنها بعضاً دارای ۱۰ عدد تألیفند که هر کدام از تألیفاتشان در حد دو رساله علمی دکترا است. لذا با تشکیل شورای مدارک علمی با حضور اساتید صاحب نظر حوزه و مدیریت و معاون آموزش و معاون پژوهش حوزه نسبت به اینگونه موارد تصمیم‌گیری و مصوبه ۲۱۳ مورد تصویب قرار گرفت. نکته

اولویت‌ها ملاحظه و بررسی می‌شود و به واجدین، موضوع رساله داده می‌شود و بقیه افراد در سال بعدی می‌توانند مراجعه کنند.



نگاه : تبصره ۳ در ماده ۸ و در ماده ۹، ارائه مدرک یا ایجاد زمینه امتحان برای سطح چهار و سه، منوط به گذراندن سطوح قبلی آنها شده است. برای افرادی که تحصیلات متفرقه داشته‌اند چرا یک امتحان جامعی پیش بینی نشده تا آنها مجبور به گذراندن دوره نباشند؟

مفهوم این تبصره‌ها، دوره‌خوانی و گذراندن دوره نیست. بلکه تعبیر اینست که کسی که می‌خواهد برای سطح سه ثبت نام کند، لزومی ندارد همین الان مدرک سطح قبلی را داشته باشد. ما بخاطر اینکه مدرک‌گرایی در حوزه، ایجاد نشود؛ این تبصره‌ها را پیش بینی کرده‌ام. لذا به طور مثال فردی که می‌خواهد وارد سطح سه بشود، لزومی ندارد که بیاورد مدرک سطح دو را بگیرد بلکه می‌گوییم همین که شرایط گرفتن مدرک سطح دو را داشته باشد کفایت. منتهی شرایط آن اینست که آن مواد درسی را گذرانده باشد و حداقل، معدل ۱۴ را کسب کرده باشد. کسی که طبق برنامه مصوب آموزشی، مراحل را طی کرده و باموفقیت نمره قبولی را کسب کرده باشد چه به او مدرک داده نشده باشد و یا اینکه اصلاً خودش درخواست نکرده باشد، همین که شرایط را دارا باشد کفایت. برای افرادی که تحصیلات متفرقه داشته‌اند و تا حد یکی از سطح درسی خوانده‌اند، امتحان جامع آن سطح گرفته می‌شود. به طور مثال کسی که در سطح سه شرکت می‌کند و امتحانش را قبول می‌شود؛ معلوم می‌شود که رسایل و مکاسب را که در سطح نوهست خوانده که توانسته امتحان کفایه را قبول شود. لازم به ذکر است که معدل امتحان جامع نمره ۱۵ می‌باشد.

نگاه : در آیین نامه جدید، معمم بودن مقاضی برای سطوح ۳ و ۴ شرط شده است. اصولاً چرا چنین شرطی قید شده و اگر کسی بعد از گرفتن مدرک، شرط را نقض کرد چه می‌شود؟

لباس فرم رسمی محصل در حوزه همان لباس مرسوم است که مردم، او را به آن شکل می‌شناسند. زمینه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی طلبه هم با داشتن این لباس بیشتر از موقعیتی است که بدون آن باشد. لذا در این سطوح شرط معمم بودن، قید شده است. به تعبیری دیگر، کسی که از امکانات حوزه استفاده می‌کند به اصطلاح امروزها بورسیه حوزه است. این آیین نامه به ما می‌فهماند که تا سطح ۲ بدون آن لباس مخصوص، بلامانع است ولی طلبه اگر خواسته

و این در خود آیین نامه، مشخص شده است. شرایطی دارد از جمله مثلاً سابقه تدریس سطح سه و مدرس دوره کارشناسی ارشد و تألیفات و تحقیقات که چنین فردی می‌تواند وارد سطح چهار بشود.

۴ - به بعضی افراد این امکان داده شده است که بدون امتحان کتبی، صاحب مدرک شوند. البته این مربوط به فضیله درجه اول حوزه یا کسانست که دارای ویژگی خاص مثل تدریس در دانشگاهها و سایر موارد می‌باشند.

نگاه : در تبصره ماده ۲ آیین نامه جدید که سابق هم دیده شده بود، برای سطوح ۳ و ۴ محدودیتی در نظر گرفته شده است. ضمن بیان علت این محدودیت، معیارهای ورود به این محدوده را بیان بفرمایید.

این محدودیت به خاطر کثرت وجود متقاضیان می‌باشد. سالهای زیادی بوده است که افراد در حقیقت بدون اینکه قانون مدرکی وجود داشته باشد در سبهای تئوری این سطوح را گذرانده‌اند. اگر اینها در یک زمان بخواهند برای تدوین رساله سطح سه مراجعه کنند ما نمی‌توانیم در مورد استاد راهنما و مشاور به اینها سرویس دهی انجام بدهیم. با توجه به اینکه ما برای این اساتید راهنما و مشاور و داور شرایط سنگینی در نظر گرفته بودیم و عملاً تأمین آن همه نیرو در یک سازمان میسر نبود و در واقع ۲۰ سال مدرک ندادن را نمی‌توان یکساله جبران کرد؛ لذا فقط در سطح سه و چهار چون نیاز به تدوین رساله دارد، محدودیت ایجاد کرده‌ایم در حالی که در سطح یک و دو چنین محدودیتی نیست.

اما پیرامون اولویتها - یکی از اولویتها معدل است. اولویت بعدی اشتغال داشتن فرد در نهادها یا مجامع علمی است. بنابراین پس از ثبت نام اولیه از کلیه متقاضیان، این

● راههای پیشگیری از این آثار سوء، تدابیری است که ما در حد توانمان، دنبال کرده‌ایم. یکی از این راهها اینست که در صدور مدرک ما مثل دانشگاهها عمل نکنیم. یعنی این طور نباشد که با تمام شدن دوره، طرف مدرکش را ملاک قرار دهد و دیگر کار نکند. ما می‌خواهیم مدرک، به عنوان یک امر مسلمی برای طلبه، احساس نشود. بلکه مدرک در مواردی صادر شود که فردی خواسته باشد در جایی مشغول فعالیت بشود و نیاز به مدرک دارد. لذا الان خیلی‌ها هستند که مثلا سطح دو یعنی کارشناسی را گذرانده‌اند اما حوزه هیچ مدرکی را در اختیار آنها نگذاشته است. حوزه در واقع این احساس را بوجود نیاورده که چون شما تحصیلات سطح دو را گذرانده‌ای، لزوماً باید مدرکش را بگیری. می‌دانیم که اگر این احساس بوجود بیاید خیلی مشکل ساز است. افرادی که نمی‌خواهند در نهاد یا ارگانی مشغول فعالیت شوند و می‌خواهند ادامه تحصیل بدهند؛ طبق روال آیین‌نامه آموزشی می‌توانند حتی بدون اینکه مدرک سطح قبلی را در اختیار داشته باشند، وارد سطح بعدی شوند.



رشته‌های تخصصی درسی رشته‌های کلام و قضا و سایر گرایشها موجود هستند.

نگاه : چرا در تبصره ۳ ماده ۱۶ و ماده ۱۷ عبارت حداقل زمان برای تدوین رساله، پیش‌بینی شده است؟

نسبت به مصوبه قدیم، در مصوبه جدید، این حداقل زمان کاهش داده شده است. اما فلسفه حداقل برخلاف دانشگاهها که حداکثر زمان را تعیین می‌کنند این است که ما با قید حداقل و حداکثر، قضایی را طراح می‌کنیم تا طلبه سطح ۳ و ۴ و افعال روی رساله‌اش وقت بگذارد. اگر ما محدودیتی را در نظر بگیریم ممکن است افراد دست نوشته‌های قبلی خودشان را ارائه بدهند. بنابراین او وادار خواهد شد که مثلا در یک فرجه ۶ ماهه، یک کار جدیدی را انجام بدهد. از لحاظ موضوع نیز غالباً کار او بر مبنای موضوعیست که ما در اختیار وی گذاشته‌ایم و انتخاب موضوع، کمتر به خود افراد واگذار می‌شود. این هم یک تفاوتیست که با نظام موجود دانشگاهی دیده می‌شود. به طوری که در دانشگاه، دانشجو در ابتدا یک موضوعی را خودش انتخاب و سپس کمیته علمی آن را تأیید می‌کند در حالی که ما بر اساس نیازهاییک جامعه و حوزه‌های علمی نسبت به موضوعات جدید و مستحدثه مثل بانکداری، بیمه و سفته و... دارند، موضوع را انتخاب می‌کنیم. لذا آن شخص اگر بخواهد موضوعی را ارائه کند که قابل دفاع در جلسات دفاعیه باشد عملاً کمتر از فرصت، ممکن نیست که تهیه بشود مگر اینکه تدوینهای قبلیش باشد که از نظر ما پذیرفته نیست.

باشد تحصیلات عالی را ادامه بدهد باین شرط. بورسیه می‌شود. مثل دانشگاهها که وقتی بورسیه می‌کنند از آنها خواسته می‌شود که بعدش برایشان انجام وظیفه بکنند یا آموزش و پرورش که تعهد خدمتی می‌گردد. تعهد لباس یک نوع تعهد خدمتی است که طلبه باید داشته باشد والا در این سیستم نمی‌تواند ادامه تحصیل بدهد. در واقع ما باین تبصره، ایجاد یک بستر سازی کرده‌ایم که طلبه در این سطح، ملزم به تعهدات تحصیلی خویش بشود. کسیکه لباس روحانی را پوشیده ولو اینکه در جایی مسئولیتی هم نداشته باشد در خیابان هم که راه می‌رود؛ باید سلوک او برای دین، تبلیغ باشد. اما اگر کسی مدرکش را با آن کیفیت گرفت و پس از آن، لباس را کنار گذاشت، خود مدرک مخدوش می‌شود زیرا که در خود مدرک قید شده که دارنده آن، ملبس به لباس روحانیت می‌باشد. لذا اگر این مدرک را در جایی نشان بدهد و ملبس نباشد، با توجه به قیدی که در آنجا مکتوب است، عذرش را خواهند خواست.

نگاه : آیا کمیته‌های علمی، گرایشهای خاص خودش را دارند؟ مثلا در کمیته فلسفه و کلام آیا گرایش فلسفه اسلامی یا گرایش فلسفه غرب و گرایشهای خاص آن موجود است؟

در برنامه‌های درسی دوره‌ها، گرایشهای خاص، تدریس می‌شوند ولی در کمیته‌های تخصصی نیازی نیست که غیر از تعیین موضوع و استاد راهنما و مشاور و داور، گروههای تخصصی جداگانه‌ای هم داشته باشد. ولی در خود